

دوکتور صلاح الدین سعیدی

## اصل بقا ماکان علی ما کان

### در انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری به نفع مردم افغانستان و امر صلح نیست!

(ملاحظات چندی بر انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ افغانستان)

مسلم است که تاریخ، موقعیت جغرافیایی، همسایه های قوی و منافع شان در افغانستان، مبارزات و جدال های راستی و چپی دیروز در سطح جهانی، ترکیب ملی و موجودیت عین بیشتر عین قوم و ملیت در خارج از مرزهای افغانستان، عقاید تقلیدی و وابستگی مردم مسلمان افغانستان به مراجع دینی و توجیبات مراجع دینی و عوامل چندی دیگری کشور و مردم ما را در حالت موجود قرار داده و همین عوامل انکشاف بعدی کشور را ما تحت تأثیر خویش داشته و خواهد داشت. اگر حین مطالعه و بررسی تاریخ این سرزمین دور نه رفته و به تاریخ این سرزمین در چند دهه اخیر دقت کنیم، تأثیر عوامل و فکتور های بالا و تداوم بخشی ازین فکتور ها را با تعویض ها در اصلی بودن و فرعی شدن بعضی ازین عوامل و تأثیرات این عوامل در انکشافات سیاسی و امنیتی این سر زمین بخاطر روشن بودن جوابها و تعدد مباحث که بر این موضوعات صورت گرفته- بحث ما را مختصر خواهد ساخت.

همه میدانیم که مردم ما در وضع رقت بار قرار دارند. مسلم است که مردم ما حق دارند زندگی نورمال داشته و در پهلوی سایر ملتهای منطقه و جهان سرنوشت خویش را خود در دست خویش بگیرند. لذا بر ما ست تا خود را جمع و جور نموده با دید واقفیت نگری، درایت و پختگی سیاسی مردم خویش را ازین ورطه هلاکت نجات دهیم. به عوامل و فکتور های اولی متوجه و با برخورد واقعبینانه و دلسوزانه از فرصت های موجود استفاده اعظمی و نیک بریم. به فهم من کار برای تأمین و عنعنه ساختن دموکراسی نیم بند امروزی با برخورد عملی به نفع مردم افغانستان و منطقه است. اما در فهم ابعاد دموکراسی ضرورت است خود را به واقعیت ها آگاه ساخته و فهم خویش را از دیموکراسی با مشخصات جامعه افغانی دقیق سازیم.

ما راه دیگر انسانی جزء مراجعه بر اصول اساسی توافق شده در یک جامعه، گرفتن مشروعیت حاکمیت از طریق رای گیری، تغییر قوانین که به آن موافق نیستیم از طریق قوانین نه با عمل انقلابی، حاکمیت قانون، عنعنه ساختن دست آورد های مثبت و .... نداریم. راه های دیگر به قربانی های غیر ضروری بیشتر، وقت بیشتر و بیشتر شدن آلام و درد مردم افغانستان و جهان خواهد انجامید.

ما میدانیم و به فهم من آنچه را داریم حد اقل درین دهه اخیر با مصارف و امکانات که در دست بود کار به مراتب بهتر و خوبتر صورت گرفته میتوانست. سیاست غیر شفاف اقتصادی، سیاسی غلط کادری، عدم تطبیق قانون و بی کفایتی مسلکی و سیاسی عوامل عمده این وضع رقت بار در کشور ما است.

به فهم من به اصطلاح به شیر ریخته گریه کردن چاره مشکل ما نیست. تصاویر و حالات غیر عملی را تقاضا کردن و توقعات بالا تر از توان داشتن درست نیست. ما آنچه داریم و آنچه ممکن است باید در چوکات آن با برخورد انسانی، عاقلانه، دلسوزانه، عاملانه، افغانی و علمی بدون پیش داوری برخورد نمایم. راه و چاره دیگر وجود ندارد. ما به این معتقدیم که ضرورت به تغییر و نو آوری های مثبت است. اداره فعلی با ترکیب فعلی دیگر چیزی و وعده برای مردم ندارد و قابل تحمل نیست.

من به این معتقدم که بقا این اداره به شکل که است سبب سرکشی ها و برخورد ها غیر متمدنانه آینده خواهد شد و این نه به نفع مردم افغانستان، نه به نفع مجامع بین المللی و صلح است.

مراجع و کسانی که از تداوم حاکمیت فعلی ضعیف و آزموده شده برای فعلا خوش خواهند بود عبارتند از مخالفین مسلح، بخش از ادارات استخباراتی کشور های همسایه، بخشی از تفنگ سالاران، شخصیت های کاذب و قوم پرست و نیرو های مافیایی.

عوامل هم همین است که بعدا در معامله و تحت فشار قرار دادن چنین حاکمیت ضعیف کماکان به منافع خود کار کرده بتوانند و افغانستان را گاو شیری خود کماکان بر اساس (بقا ما کان علی ماکان) سازند. تغییر تغییر و تغییر مثبت و تیم قوی کاری و سیاسی ضرورت است! این را باید تمام افراد و نیرو های خیرخواه این جامعه و جهان درک نمایند.

با تمام صراحت باید گفت که در داخل نظام حاکم شخصیت های زیاد هستند که با قرار گرفتن در سیستم نا بکار نتوانستند کار مؤثر را به پیش ببرند. من مطمئن ام که با تغییر مثبت جدید در اداره کشور زمینه های کار بهتری برای شان آماده خواهد شد. درین تغییر آوری نباید سیستم برانداز بود بلکه و باید سیستم ساز بود.

برای بخش از واقعیت های جامعه درک داشت اما هست موارد که تخطی از آن تخطی از خطوط سرخ است. لذا برای تحقق این آرمان ها جدا مطرح و قابل دقت است همیشه در ذهن داشته باشیم که:

اداره فعلی حاکمیت؟! در افغانستان با وجود اینکه چیزی و وعده دیگر برای مردم افغانستان ندارد اما با استفاده از زمان بیشتر از هفت ساله با مصرف میلیونها دالر و کمک های مالی و مادی بین المللی زمینه های کادری و انتخاباتی به شمول کمیسیون مستقل؟! انتخابات، ستره محکمه، عده زیادی والیان و ابرار دولتی را با تمام رنگ و کارتها انتخاباتی، رادیو و تلویزیون و ..... در دست دارد.

به اعتماد راسخ گفته میتوانم و معتقدم که این وضعیت میتواند در انتخابات آینده کشور مورد سوء استفاده قرار گیرد. به همین علت هم تأکید دارم که ضرورت جدی و حتمی است اگر به تغییر و تغییر نیک سرنوشت خویش معتقد هستید باید و باید به یک سلسله توافقات و حتی توافقات بین حریفان سیاسی صورت گیرد. در غیر آن نتایج مطلوب نه خواهد بود و فرصت های مردم افغانستان باز هم به هدر خواهند رفت.

به صحنه سیاسی کشور درین روز ها توجه کنید که کی ها با کی ها کنار آمده و توافق دارند و جبهه میگیرند؟ حالت مردم خیر خواه و خیر اندیش در چه حال است؟

کی ها بقا این نظام را میخوانند و کی ها به نظم بهتر و تغییر و اداره قوی معتقد اند و ضرورت آنرا درک میکنند؟ بر همین اساس هم ضرورت به صف بندی ها و ضرورت به کار پرتلاش است.

چنانچه گفته آمدیم آنهای که در حیف و میل کمک های جهانی در دهه اخیر سهیم بودند، تفنگ سالاران بقای خویش را در تغییر نظام نمی بینند و به حق مصروف کار وسیع تنازع للبقا اند.

لذا بر تمام آنهای که خیر، صلاح و فلاح این کشور را خواهان اند و به تغییر ضرورت احساس میکنند باید دست به دست هم داده با وجود رقابت سیاسی معین در مسایل معین خیر به توافق برسند.

توافق برسر ضرورت به تغییر، توافق بر سر تطبیق قانون، توافق بر نظارت از شفافیت انتخابات، توافق به مراعات کلتوری عالی انتخابات، توافق بر واقعیت نگری، توافق بر عدم همکاری با نیرو های که سیستم برانداز اند، توافق به روشن ساختن قواعد بازی سیاسی، جلوگیری از سوء استفاده از منابع دولتی برای مسایل شخصی انتخاباتی، توافق بر کاندید مشترک حد اقل در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ افغانستان (وضع نشان میدهد که در افغانستان دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری صورت گیرد). ضرورت همکاری بیشتر انسان های خیر خواه جدا مطرح است. راه دیگر وجود ندارد. کشور ها و جوامع بشری دیگر چنین مراحل و برخورد های را داشته اند و ما نیز باید در مورد هوشیار بوده از تجارب نیک استفاده بریم.

این همکاری حتی حریفان سیاسی به معنای تقسیم مرغان و پرند های که تا حال شکار نه شده نیست.

این همکاری به معنای تقسیم کرسی های دولتی آینده نیست.

این همکاری به معنای گذشت از برنامه های کاری خویش نیست.

این همکاری به معنای احسان گذاری بر دیگران نیست.

این همکاری به معنای تثبیت هویت، موجودیت و نیروی سیاسی نیست.

این همکاری به صورت حتمی سند مطرح شدن شخص نیست.

این همکاری به معنای همکاری افـــــراد (ولو نیم نفر)، شخصیت های سیاسی کشور، کلکتیف ها، احزاب و سازمان های سیاسی بر امر خیر است. به مسایل که توافق در آن ممکن و مسایل که متحدان خواهان آنیم و مسایل که متحدا مخالف آنیمی میباشد.

به فهم من برای کار عملی این مقصود با یک نشست و دوشنست مقصود بر آورده نه خواهد شد. ضرورت به کمیته کاری و تعیین اشخاص و افراد ارتباطی و ضرورت به نشست های متواتر، کواوردینه و هماهنگی متواتر کار است.

قابل درک است که در موارد معین توافق هم درین مرحله ممکن نیست و در همه موارد توافق حتمی هم نیست. با چنین درک میتوانیم کار و فعالیت زیادی به امر خیر، تغییر و به نفع مردم کشور خویش و پروسه صلح در کشور خویش، منطقه و جهان نموده میتوانیم.

و السلام – فاعتبروا یا اولی الابصار